

امتحانیت دوازدهم

برگ آخر جامعه‌شناسی ۳

حتماً قبل از امتحان برگ آخرت رو رو کن!

درس ۱ - ذخیره دانشی

- هرچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود و مطالعات مدرسه‌ای و دانشگاهی می‌آموزند، ذخیره دانشی نام دارد.
- به دانش‌هایی که انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند و از بدو تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگران در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها شریک می‌شوند، دانش عمومی می‌گویند.
- دانش عمومی: ۱ گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی است.
- ۲ انسان درباره دانش عمومی کمتر می‌اندیشد و بیشتر از آن استفاده می‌کند. ۳ در تعامل با دیگران آن را به کار می‌برد.
- دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است.
- به بخشی از ذخیره دانشی که با تأمل و اندیشه به دست می‌آید و عمیق‌تر و دقیق‌تر است، دانش علمی می‌گویند.
- تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید.
- دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد، پیشرفت می‌کند و به دلیل شناخت دقیق مسائل جامعه، راهکارهای صحیح برای آن‌ها پیدا می‌کند.
- گاهی میان دانش عمومی و دانش علمی یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید.
- حل تعارض بین دانش عمومی و دانش علمی، گاهی با رها کردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخش دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.
- جهان‌های اجتماعی مختلف بر اساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند:
- ۱ جهان متجدد بر اساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند.
- ۲ جوامع دیگر، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند.
- در نتیجه تعارض به وجود آمده، ارتباط دو سویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود و دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند.
- ما دانشی می‌خواهیم که همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما (جامعه اسلامی و ایرانی) باشد. همچنین دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد.
- سه دیدگاه درباره رابطه دانش عمومی و دانش علمی:
- دیدگاه اول: تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست.
- دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است.

دانش علمی

دانش عمومی

دیدگاه دوم: برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی (از جمله دانش تجربی) می‌داند.

دانش عمومی

دانش علمی

دیدگاه سوم: دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود، بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است و امکان انتقاد و تصحیح آن را دارد.

دانش عمومی

دانش علمی

درس ۲ - علوم اجتماعی

- به دانش‌هایی که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه کنند، علوم اجتماعی گفته می‌شود.
- علوم انسانی، کنش‌های انسانی و پیامدهای آن و علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کند.
- موضوع علوم انسانی عام‌تر از علوم اجتماعی است.
- روان‌شناسی نمونه‌ای از علوم انسانی و جامعه‌شناسی نمونه‌ای از علوم اجتماعی است.
- فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی بلکه خود دانشی مستقل است.
- علوم طبیعی را به دلیل اینکه ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، علوم ابزاری نیز می‌گویند.
- علوم انسانی به دلیل اینکه به فهم معانی کنش‌های انسان‌ها می‌پردازند، علوم تفهیمی نامیده می‌شوند و از این نظر که به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، علوم انتقادی گفته می‌شوند.
- از فواید علوم طبیعی، شناخت طبیعت و قوانین و پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت است.
- از فواید علوم انسانی، انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان، شناخت و فهم کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن است.
- علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن یعنی پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کند.
- موضوع جامعه‌شناسی خرد، کنش اجتماعی و موضوع جامعه‌شناسی کلان، ساختار اجتماعی است.
- جامعه‌شناسی خرد، کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد و جامعه‌شناسی کلان، ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند.
- جامعه‌شناسی خرد و کلان نیازمند به هم و مکمل یکدیگرند.
- در جامعه‌شناسی بر اساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است.
- سه رویکرد اصلی عبارت‌اند از: جامعه‌شناسی تبیینی، تفسیری و انتقادی.

درس ۳ - نظم اجتماعی

- نظم یعنی قرار گرفتن هر پدیده در جای خود بر اساس قواعد اجتماعی و نظم اجتماعی در نتیجه قواعد اجتماعی برقرار می‌شود.
- جامعه‌شناسان برای شناختن نظم، از امور آشنا و مأنوس، آشنایی‌زدایی می‌کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات روزمره اطراف نگاه می‌کنند و نظم را می‌شناسند.
- جامعه‌شناسان در شناختن نظم اجتماعی به این سه پرسش توجه می‌کنند:
- ۱ قواعد و هنجارهای باهم زندگی کردن چگونه به وجود می‌آیند؟
- ۲ این قواعد و هنجارها چگونه دوام می‌آورند؟
- ۳ قواعد و هنجارهای مذکور چگونه تغییر می‌کنند؟
- ساختار اجتماعی، چگونگی پیوند و رابطه میان پدیده‌های اجتماعی مختلف است که در گروه‌های رسمی مثل سازمان‌ها می‌توان دید.
- ساختار اجتماعی، را در گروه‌های رسمی (مانند سازمان‌ها) بهتر می‌توان دید.
- نظام اجتماعی یک ساختار اجتماعی پویاست.
- پویا بودن نظام اجتماعی یعنی اینکه بخش‌های مختلف آن بر یکدیگر اثر بگذارند و از یکدیگر اثر بپذیرند.
- سه رویکرد در جامعه‌شناسی داریم که اولی جامعه‌شناسی تبیینی است که در اوایل قرن ۱۹ میلادی توسط کنت بنیان‌گذاری شد و روش آن حس و تجربه است.
- آگوست کنت، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای این رشته برگزید.
- در رویکرد تبیینی، پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین روش مطالعه آن‌ها نیز یکسان انگاشته می‌شود.
- جامعه‌شناسی با شناخت نظم اجتماعی، به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد؛ لذا در این رویکرد هدف جامعه‌شناسی نیز همانند هدف علوم طبیعی است.
- یکسان دانستن طبیعت و جامعه، انسان‌ها را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد، در حالی که جامعه برخلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش‌های انسان‌هاست و بود و نبود آن، وابسته به انسان است.
- انسان در رویکرد تبیینی، صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می‌شود. همچنین جامعه را صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده می‌داند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمی می‌بیند.
- طرفداران این دیدگاه گمان می‌کنند که همه جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند.

درس ۴ - کنش اجتماعی

- کنش اجتماعی، خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آید.
- مشکلات و مسائل اجتماعی، بیرون از دایره نفوذ و تأثیر ما نیستند؛ اگرچه میزان تأثیرگذاری همه اعضای جامعه یکسان نیست.
- زندگی اجتماعی انسان و نظم، همزاد یکدیگرند؛ اما انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند، بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بکاهند.
- به هر میزان که این آرمان‌ها و ارزش‌ها والاتر و انگیزه‌آفرین‌تر برای تحقق بخشیدن به آن‌ها قوی‌تر باشد، تغییر مهم‌تری ایجاد خواهد شد.
- انسان‌ها برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است؛ به همین دلیل کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد؛ چراکه توان فهم معانی کنش انسان‌ها را ندارد.
- رویکرد تبیینی بر آنچه مشاهده می‌شود، تمرکز می‌کند و اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.
- نادیده گرفتن کنش، نادیده گرفتن ویژگی‌های آن است و پیامدهایی دارد.
- رکود اراده‌ها از پیامدهای نادیده گرفتن کنش است که تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی و یکسان دانستن نظم اجتماعی و طبیعت، خلاقیت و اراده انسان‌ها را نادیده می‌گیرد.
- ماکس وبر از سلطه چنین نظمی که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد، به قفس آهنین تعبیر می‌کند.
- سقوط ارزش‌ها یعنی انسان‌ها اغلب در کنش‌های خود به دنبال تحقق اهداف و ارزش‌ها هستند که با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان آن‌ها را مشاهده کرد و فضیلت بودن یا نبودن آن را فهمید.
- افول معانی: نادیده گرفتن معنای کنش، سبب شده است که بیشتر مطالعات تبیینی به توصیف رفتارهای قابل مشاهده محدود شوند.
- تأکید بیش از اندازه رویکرد تبیینی بر نظم و ساختارهای اجتماعی به حذف اراده و خلاقیت، ارزش و خلاقیت، آگاهی و معنا از زندگی اجتماعی می‌انجامد و شور زندگی را از انسان‌ها می‌گیرد.
- نظریه‌پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش می‌دانند ولی ویژگی‌های دیگر کنش یعنی اراده و ارزش برخاسته از آگاهی را تابع آن می‌بینند.
- همین نگاه مسیر را برای عبور از جامعه‌شناسی تبیینی به سمت جامعه‌شناسی تفسیری فراهم ساخت.
- اصطلاح جنگ‌های نامنظم را اولین بار شهید مصطفی چمران به کار برد و روش‌های ویژه‌ای بر آن ابداع کرد.

درس ۵ - معنای زندگی

- مسئله معنا در کل زندگی انسان و درمورد تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله کنش‌ها مطرح است.
- بررسی و مطالعه پدیده‌های انسانی و اجتماعی، بدون توجه به عمق آن‌ها، به نتیجه‌گیری‌های غلط و اشتباه منجر می‌شود.
- شباهت «شهادت‌طلبی»، «فدا کردن جان برای وطن» و «خودکشی» دست شستن از جان و زندگی در دنیا و استقبال از مرگ است.
- تفاوت آن‌ها در معنای متفاوتشان است.
- پس از انقلاب صنعتی مسئله خودکشی به شکل بی‌سابقه‌ای در جوامع صنعتی رواج پیدا کرد که با تحلیل‌ها و نظریات متفاوتی همراه بود.
- وجود نظریات متفاوت، نشانه پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی و البته دشواری مهم آن‌هاست.
- جامعه‌شناسی تفسیری با بنیان‌گذارانی همچون دیلتای و وبر در قرن نوزدهم معروف شد که موضوعش کنش اجتماعی و معنای آن و هدفش معنا بخشی به زندگی اجتماعی و روش آن تفسیر است.
- ماکس وبر معتقد بود کنش اجتماعی معنادار است و پدیده‌های معنادار را نمی‌توان همانند پدیده‌های طبیعی از طریق حواس مطالعه کرد بلکه باید معنای آن‌ها را فهمید. او علم را به علم تجربی محدود می‌دانست و تفهم را روش مستقلی برای علوم انسانی نمی‌دانست بلکه آن را مقدمه‌ای برای روش تجربی می‌دانست.
- او جامعه‌شناسی خود را تفهیمی به تبیینی معرفی می‌کرد. از نظر او جامعه‌شناس نقطه می‌تواند آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی را توصیف کند و نمی‌تواند داوری علمی نماید.
- رویکرد تفسیری بر این باور است که کنشگران براساس معنایی که در ذهن دارند، دست به عمل می‌زنند؛ بنابراین برای فهم زندگی اجتماعی باید از ظاهر پدیده‌های اجتماعی عبور کرد و به معنای نهفته در کنش‌ها راه یافت.

رویکرد تفسیری		
موضوع	روش	هدف
کنش‌های اجتماعی و معنای آن‌ها	تفسیر (نگاه از درون به پدیده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها)	معنا بخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی

جامعه‌شناسان برای فهم کنش انسان (به دلیل پیچیدگی آن) به سراغ روش‌های کیفی رفتند که یکی قوم‌نگاری و دیگری مطالعه موردی است.

انواع عقل در معنای عام و تناسب آن با انواع علوم اجتماعی		
عقل ابزاری	عقل تفسیری	عقل انتقادی
<ul style="list-style-type: none"> جامعه‌شناسی تبیینی (برای پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی) برای کسب دانش درباره پدیده‌های طبیعی و مادی استفاده از زبان خود (در سخن گفتن با دیگران) برای ترغیب دیگران به انجام کاری که می‌پسندد. تعامل انسان‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> جامعه‌شناسی تفسیری (برای فهم و کنترول پدیده‌های آن یا معنابخشی به ارتباطات انسانی) زندگی اجتماعی برای فهم و تفسیر پدیده‌های معنادار (مانند کنش انسانی) استفاده از زبان خود برای شناخت ارزش‌های عدالت و یکدیگر و تفاهم و آزادی در روابط انسانی 	<ul style="list-style-type: none"> جامعه‌شناسی انتقادی (تجویزی) برای ارزیابی و داوری نسبت به مناسبات و ارتباطات انسانی استفاده از زبان طبیعی و مادی رابطه ظالمانه (با توان در سخن گفتن با مانند کنش انسانی) داوری ارزشی ارزیابی وضعیت ارزش‌های عدالت و آزادی در روابط انسانی

درس ۱۰ - افق علوم اجتماعی در جهان اسلام

جهان اجتماعی که آگاهی همراه عمل و عمل توأم با آگاهی دارد، زنده است و سایر نشانه‌ها همچون همبستگی و... را به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم اجتماعی مسلمانان، علم فقه است. فقه، مسائل اجتماعی را توصیف یا تبیین نمی‌کند بلکه راه‌های برون‌رفت از وضعیت موجود به مطلوب را تجویز می‌کند.

جامعه مطلوب (در فقه شیعه) دو ویژگی دارد:

- روابط و ساختارهای آن عادلانه باشد.
- حاکمان و کارگزاران جامعه، عالم و عادل باشند.

میرزای نائینی در آغاز قرن بیستم، مشروطه را بهترین نظام ممکن در آن شرایط دانسته که مردم می‌توانند با کمک مجلس شورا، ویژگی اول جامعه مطلوب را محقق کنند.

وی ضمن تأکید بر حمایت مردم از تشکیل مجلس (در نظام مشروطه)، مشروطه را به معنای مشروط کردن حاکمان و حکومتی می‌دانست که باید در چارچوب مقررات عادلانه مجلس عمل کند. امام خمینی (ره) در پایان قرن بیستم، به دنبال جامعه مطلوبی است که هر دو ویژگی را داشته باشد؛ یعنی هم قوانین آن (با کمک مجلس شورا) عادلانه باشد و هم مجریان این قوانین (با کمک مجلس خبرگان)، عالم و عادل باشند.

مردم در این جامعه از طریق مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در تحقق بخشیدن به نظام مطلوب در عصر غیبت مشارکت می‌کنند. علوم اجتماعی جهان اسلام، هم از منابع و ابزارهای تجربی و هم از منابع عقلانی و وحیانی برای توصیف و تبیین مسائل اجتماعی استفاده می‌کند.

علامه طباطبایی با طرح مسئله اعتباریات، تعریف دقیق‌تری از موضوع علوم اجتماعی ارائه کرده است و از دو سطح عقل نظری و عملی سخن گفت.

تعامل با علوم اجتماعی مدرن، ضمن فراهم آوردن زمینه طرح نظریات جدید به متفکران مسلمان، امکان می‌دهد که:

- علوم اجتماعی جهان اسلام را گسترش دهند.
- ضمن توصیف و تبیین مسائل جهان اسلام، مسائل جامعه جهانی را هم تحلیل کنند.
- برای برون‌رفت از بحران‌هایی مانند بحران آگاهی و معناراه حل دهند.
- عقل نظری، واقعیت‌هایی را که مستقل از آگاهی و اراده انسان وجود دارند، شناسایی می‌کند.
- عقل عملی، واقعیت‌هایی را که با آگاهی و اراده انسان به وجود می‌آیند، شناسایی می‌کند.

ویژگی‌های جهان اجتماعی جهان اسلامی

- متناسب بودن با معنای علم در جهان اسلام
- از منابع و ابزارهای تجربی برای توصیف و تبیین مسائل اجتماعی استفاده می‌کند ولی تبیین‌های علمی جهان اسلام به شناخت تجربی محدود نمی‌شود و از منابع عقلانی و وحیانی نیز استفاده می‌کند.
- عقلانیت مورد استفاده جهان اسلام داده‌های حسی و تجربی و همچنین هنجارها، ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی پیرامون خود را مورد ارزیابی انتقادی قرار می‌دهد.
- عاملان با استفاده از عقلانیت جهان اسلام به گونه‌ای مستقل به ارزیابی فرهنگ و تاریخ مربوط به خود می‌پردازند.
- عقلانیت جهان اسلام همه عرصه‌های علمی را سامان نمی‌دهد. بخشی را به حس و تجربه و بخشی را با استفاده از وحی سامان می‌دهد.
- درباره وضعیت مطلوب و آرمانی جامعه اسلامی و همچنین جامعه جهانی داوری خواهد کرد و راه‌های برون‌رفت از وضعیت موجود به سوی مطلوب را شناسایی می‌کند.

بدین منظور دولت به نمایندگی از جامعه موظف است نیازهای ضروری همه افراد (خوراک، پوشاک و مسکن) را تأمین کند و برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی تدابیر بیشتری ببیند، مثلاً از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند. جامعه‌شناسی انتقادی ضمن انتقاد از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب، راه‌حل می‌دهد و روش آن تفسیری، انتقادی و تجویزی است.

جامعه‌شناسی انتقادی		
موضوع	روش	هدف
کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن	تفسیری، انتقادی و تجویزی	انتقاد از وضع موجود و تجویز وضع مطلوب و راه رسیدن به آن

درس ۸ - سیاست و هویت

الگوی تنازع در دو شاخه ۱. همانندسازی و ۲. تکثرگراست که اولی در دوره مدرن و هم‌زمان با ظهور جهان متجدد است که به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه است. دومی محصول دوره پسامدرن است که در این مدل تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی حفظ و حتی تشدید می‌گردد. سیاست هویت می‌تواند دو چهره پیدا کند: یا تأکید افراطی به تفاوت‌ها و گوناگونی‌هاست و یا به رسمیت شناخته شدن گروه‌های به حاشیه رانده شده است.

الگوی تعارف در مقابل الگوی تنازع و به معنای شناخت متقابل است که ضمن درک تفاوت، با تأکید بر اشتراکات به بهبود روابط منجر می‌شود. الگوی مطلوب قرآنی، تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی را مانع وحدت و همدلی نمی‌داند، بلکه انسان‌ها را به منشأ وحدت رهنمون می‌سازد. رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری نیز به دلیل پیروی از این الگو و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند.

افراد معمولاً به دیگری که آن‌ها را به درستی نمی‌شناسند، بدبین‌اند و از آن‌ها دوری می‌کنند. از این رو یکی از راه‌های ایجاد آشتی، اتحاد و دوستی در میان گروه‌ها و ملت‌ها، شناخت متقابل است. جامعه‌شناسی انتقادی، ریشه در دو رویکرد تفسیری دارد. یکی انتقادی که به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره هنجارها و ارزش‌هاست و دیگری که چنین کارکردی را ناممکن می‌شمارد و راه‌هایی انسان را در بیرون علم جست‌وجو می‌کند.

درس ۹ - پیشینه علوم در جهان اسلام

در اسلام، علم از مهم‌ترین ارزش‌هاست. در قرآن کریم از علم به‌عنوان هدف آفرینش یاد شده است. علم، علت برتری انسان بر فرشتگان معرفی گردیده و انسان به سبب علم، خلیفه خداوند در زمین شده است.

علم مراتب و انواعی دارد که آموختن بعضی ممنوع و بعضی دیگر لازم و ضروری است که به علم نافع تعبیر می‌شود.

علم اجتماعی در قرآن، هم به توصیف و تبیین، هم به نقد و ارزیابی جوامع و هم به ترسیم جامعه آرمانی مورد نظر خود می‌پردازد. قرآن کریم، قوانین حاکم بر تداوم و تغییر جوامع و امت‌های مختلف را «سنت‌های الهی» می‌نامد و آدمیان را برای شناخت این سنت‌ها تشویق می‌کند.

فارابی جوامعی را که از علوم عقلی بی‌بهره‌اند، مدینه جاهله و عکس آن را مدینه فاضله می‌داند که جامعه آرمانی مورد نظر اوست.

مدینه فاسقه	مدینه صالحه
<ul style="list-style-type: none"> در اثر انحراف عملی از مدینه فاضله به وجود آمد. مردم در عین آشنایی با علوم وحیانی و عقلانی، از آن‌ها بهره نمی‌گیرند. با آنکه مردم حقیقت و عدالت را می‌شناسند (یا امکان شناخت آن را دارند)، بر اساس آن عمل نمی‌کنند. 	<ul style="list-style-type: none"> در اثر انحراف نظری از مدینه فاضله شکل می‌گیرد. نظرات پذیرفته شده در مدینه فاضله تحریف می‌گردند. آرمان‌ها، ارزش‌ها و امور غیرعقلانی، آرمان‌ها و ارزش‌های عقلانی معرفی می‌شوند.

علم مدنی فارابی از همه ظرفیت‌های علوم اجتماعی برخوردار است:

- به توصیف و فهم کنش‌ها و ساختارهای جوامع مختلف می‌پردازد.
- به تبیین (علت‌یابی) واقعیت‌های اجتماعی و بررسی تغییرات و تحولات آن‌ها می‌پردازد.
- درباره هنجارها، ارزش‌ها و آرمان‌های جوامع مختلف، داوری علمی می‌کند و رویکرد انتقادی به جامعه خود و دیگر جوامع دارد.
- درباره هنجارها، نحوه رفتار و سبک زندگی کنشگران سخن می‌گوید و باید و نبایدهایی برای زندگی اجتماعی تجویز می‌کند.
- مسکویه و بیرونی از دیگر متفکران اجتماعی‌اند که دو کتاب تجارب‌الامم و تحقیق ماللهند را پدید آوردند.
- ابن‌خلدون عصبیت را عامل شکل‌گیری جوامع می‌داند که با استفاده بیشتر از روش حسی و تجربی به علم عمران رسید.

روش‌های کیفی	
قوم‌نگاری	مطالعه موردی
<ul style="list-style-type: none"> در این روش، پژوهشگر برای مدتی با قومی که قصد تحقیق در مورد آن‌ها را دارد، زندگی می‌کند. خود را در آن شرایط فرهنگی قرار می‌دهد. کنش‌هایشان را تجربه می‌کند. یکی از جامعه‌شناسان به نام گافمن از طریق مشاهده مشارکتی به تحقیق در بیمارستان روانی پرداخت. 	<ul style="list-style-type: none"> در این روش، محقق تمامی ابعاد یک پدیده اجتماعی خاص مثلاً یک فرد یا فرهنگ و نهاد اجتماعی را مطالعه می‌کند و به عمق پنهان منحصر به فرد آن می‌رسد. در مطالعه موردی یک ده، موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و به‌طور کلی جزئیات زندگی مردم ده بررسی می‌شود.

درس ۶ - قدرت اجتماعی

در دوره اخیر و در جهان اجتماعی مدرن، معنا و ارزش سه‌گانه قدرت، ثروت و دانش مورد شک و تردید بنیادی قرار گرفت. مفهوم سیاست هم قدرت است و هم قانون که قدرت محقق کردن اهداف یک نظام اجتماعی به شیوه کارآمد است. اما مفهوم قدرت، وجه عینی و محسوس سیاست و جنبه الزام‌آور آن است و ضمانت اجرای هرگونه عمل است. از گذشته تاکنون ابزارهای اعمال قدرت تغییراتی کرده است که قدرت افقانی بر خلاف ابزارهای تشویقی و تنبیهی، با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت، اعمال می‌شود. شخصیت، مالکیت و سازمان که باعث دسترسی به قدرت می‌شوند، به عنوان منابع و عوامل قدرت شناخته می‌شوند. سازمان، مهم‌ترین قدرت در جوامع امروزی است که با دو مفهوم انسجام اجتماعی و یکپارچگی نظام پیوند می‌خورد.

- جوامع، خود بزرگ‌ترین و مؤثرین سازمان‌ها هستند. جوامعی که اختلاف و چند دستگی در آن‌ها پیدا شود، در مقابل رقیبان و دشمنان آسیب‌پذیر می‌شوند.
- جامعه‌شناسان انتقادی، دو رویکرد دیگر را (که هیچ راهکاری ندارد)، محافظه‌کار می‌دانند.
- هر کنش سیاسی یا به قصد تغییر وضع موجود (ایجاد وضع بهتر) انجام می‌شود و یا با حفظ هدف آن و جلوگیری از بدتر شدن. رویکرد جامعه‌شناسی و مطالعه ارزش‌های سیاسی

رویکردها	داوری ارزش‌ها و عمل سیاسی
تبیینی	با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش‌های انسانی (و سیاسی) را قابل مطالعه علمی نمی‌داند و قدرت را به‌عنوان یک پدیده خنثی (فاقد معنا) و مادی می‌شناسد.
تفسیری	ضمن معنادار دانستن امور سیاسی، صرفاً به توصیف ارزش‌ها و نظام سیاسی بسنده می‌کند.
انتقادی	ضمن محافظه‌کار دانستن دو رویکرد قبلی، یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش‌های اجتماعی (به‌ویژه قدرت) را ضروری می‌داند و دست شستن از این آرمان را بن‌بست معرفی می‌کند.

درس ۷ - نابرابری اجتماعی

جامعه‌شناسان علت نابرابری‌های اجتماعی را توزیع نابرابر مزایای اجتماعی (ثروت، قدرت و دانش) میان افراد می‌دانند. تفاوت‌ها یا نابرابری‌ها را به سه نوع تفاوت اسمی (زن و مرد بودن)، نابرابری طبیعی (قد و ضریب هوشی) و نابرابری اجتماعی (ثروت و تحصیلات) تقسیم می‌کنند.

رویکرد اول (لیبرالی)، طرفدار قشربندی اجتماعی است و نابرابری اجتماعی را نتیجه تفاوت‌ها یا نابرابری طبیعی می‌داند و رقابت را ضروری می‌داند. طرفداران قشربندی با طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی، نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن آن را نادیده می‌گیرند و تغییر در آن را چندان امکان‌پذیر نمی‌دانند و با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.

رویکرد دوم (کمونیستی)، مخالف قشربندی اجتماعی است که نابرابری اجتماعی را نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌ها دانسته و مبارزه با آن را لازم می‌داند. در این رویکرد، نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود اما به دلیل اینکه با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد. رویکرد سوم (عدالت اجتماعی)، هر دو گروه فوق را ناعادلانه می‌داند و برخلاف دومی، مخالف مالکیت خصوصی نیست و برخلاف اولی، امکان رقابت را برای همگان فراهم می‌کند. در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود، اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند.